

اشاره

بحث در مورد هفتمین انتخابات مجلس شورای اسلامی در اول اسفندماه ۱۳۸۲ بود. شرکت در این انتخابات، به دلیل اوضاع و شرایط حاکم بر جامعه‌ی اسلامی و فشارهای بین‌المللی بر ایران اسلامی برای تسلیم شدن در مقابل ابرقدرت‌ها و دست‌شستن از اصول و ارزش‌های خود، امری واجب و ضروری و تکلیفی شرعی برای هر انسان آزاده‌ای است که به آرمان‌های انقلاب و خون شهدا پایبند است. وعده داده بودیم که وظایف انتخاب‌کنندگان را در این قسمت مطرح کنیم، این هم وعده‌ی ما.

و وظایف انتخاب‌کنندگان

در یک جامعه‌ی دینی همواره مسأله‌ی شناخت حق و باطل و شناسایی طرفندهای اهل باطل امری لازم و ضروری است. این مسأله در جامعه‌ی غیر دینی اساساً معنا و مفهومی ندارد؛ چرا که در جامعه‌ی غیر دینی ملاکی برای شناسایی حق و اساساً حقی وجود ندارد. حق در یک جامعه‌ی غیر دینی آن چیزی است که اکثریت مردم آن را می‌پسندند و باطل آن چیزی است که اکثریت نمی‌پسندند؛ در منابع دینی تأکید شده است که مسلمانان باید به جای شناخت افراد و معیار قرار دادن آنان برای شناسایی اسلام و دین، حق را محور و معیار قرار دهند. و براساس محور حق، به پذیرش افکار و آراء و نظریات و ایدئولوژی افراد بپردازند. اگر شعارها، افکار و عملکرد آنان براساس حق بود، آن را بپذیرند و اگر بر محور و معیار حق نبود، آن را رد کنند:

«انظرو الی ما قال و لاتنظرو الی من قال» یعنی به محتوای سخن طرف مقابل گوش فرا دهید، نه به خود گوینده

اما در مسأله‌ی انتخابات، شناسایی حق و باطل در خصوص افراد، چندان معنا و مفهومی ندارد، بلکه در این‌جا انتخاب صالح‌ترین و بهترین فرد برای انتخاب شدن مهم است، نه حق و باطل بودن، چرا

که اصل بر این است که تقریباً همه‌ی افرادی که در انتخابات برای نمایندگی نامزد شده‌اند، از شرایط نسبی نمایندگی برخوردارند. تنها ما موظف هستیم که بهترین و صالح‌ترین آن‌ها را گزینش کنیم.

به هر حال، انتخاب‌کنندگان وظایفی برعهده دارند. از آن جایی که ما معتقدیم در یک جامعه‌ی دینی افراد در مقابل اعمال خویش پاسخ‌گو هستند و در برابر خداوند متعال باید پاسخ‌گانه‌ی کننده‌ای برای اعمال خویش داشته باشند، لذا انتخاب افراد و شرکت در انتخابات نیز به عنوان یک وظیفه و تکلیف شرعی قلمداد می‌شود. از این رو، افرادی را هم که انتخاب می‌کنند، اگر براساس معیار حق انتخاب نکنند، باید در قبال انتخاب خویش پاسخ‌گو باشند. بنابراین، همان‌طور که اصل شرکت در انتخابات تکلیف شرعی و وظیفه‌ای ملی و دینی

است، انتخاب افراد صالح‌تر و برمحور حق و اصلاح نیز وظیفه‌ای است که هر مسلمانی برعهده دارد.

رسول بزرگوار و گرامی اسلام در زمینه‌ی انتخاب افراد برای کارگزاران جامعه‌ی اسلامی می‌فرماید:

«مَنْ اسْتَعْمَلَ عَامِلًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّ فِيهِمْ أَوَّلَىٰ بِذَلِكَ مِنْهُ وَ اعْلَمَ بِكِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ» هرکس از بین مسلمانان عامل (کارگزاری) را بر سر کار بیاورد و بداند که در بین مسلمانان فردی وجود دارد که او برای این کار سزاوارتر و به کتاب خدا و سنت پیامبر (ﷺ) آشناتر است، آن کس به خدا و رسول خدا و جمیع امت اسلامی خیانت کرده است!

بنابراین، شناسایی بهترین و صالح‌ترین افراد از میان نامزدهای انتخاباتی برای سپردن امور جامعه‌ی اسلامی به ایشان و انتخاب آنان به

انتخاب هفتم

محمد فولادی

عنوان نماینده‌ی خویش در مجلس، اولین و مهم‌ترین وظیفه‌ی هر مسلمانی است. طبعاً همان گونه که گذشت معیار انتخاب، باید محور و معیار حق و جلب رضایت خداوند متعال و احبای دین خدا در جامعه‌ی اسلامی باشد. هرکس را نمی‌توان به صرف ادعا، صالح و یا اصلاح تشخیص داد، بلکه عملکرد افراد بر محور حق و رضایت خدا و تلاش آنان در راه اعتلای جامعه اسلامی، باید معیار انتخاب باشد. چرا که اگر افرادی با رأی عده‌ای انتخاب شوند که اصلاح نباشند و عملکرد نادرستی داشته باشند به گونه‌ای که موجب وهن اسلام؛ احکام اسلام و جامعه اسلامی شوند. افرادی که آنان را انتخاب کرده‌اند به دلیل سهل‌انگاری و عدم تحقیق درست در انتخاب افراد، شریک جرم ایشان محسوب می‌شوند!